پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۱۱۵ـ۱۳۶ (مقاله پژوهشی)

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

ملاک‌های نقد الحدیثی علامه مجلسی در تنقیح احادیث موضوعه در بحارالانوار

مریم السادات زبرجد[۱]، نهله غروی‌نائینی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۹/۱۷ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۱۵)

چکیده

ورود احادیث موضوعه به مجموعه نقل‌های معصومان علیهم‌السلام و صحابه کبار از زمان پیامبر اسلام (ص) شروع شد. معصومان علیهم السلام و به تبع آنها دانشمندان اسلامی در صدد تنقیح و پاک‌سازی احادیث نبوی از این احادیث بر آمدند و تالیفات و تحقیقات بسیاری در شناخت احادیث جعلی و جاعلان و عوامل و انگیزه‌های جعل انجام شد. در میان تالیفات شیعه، علامهٔ مجلسی در کتاب گراسنگ بحار الانوار به فراخور جامعیت اثر به بررسی احادیث موضوعه پرداخته و با معرفی ملاک‌های سنجش احادیث موضوع و شناساندن انگیزه‌های جعل و بحث‌های علمی دامنه‌دار، موفقیت چشمگیری در این زمینه کسب کرده است. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوایی روش‌ها و ملاک‌های تشخیص احادیث جعلی در کتاب بحارالانوار را استخراج کرده و موضع‌گیری و شیوه علامه مجلسی در مواجهه با احادیث موضوعه را بررسی نموده و نمونه‌هایی از روش ایشان در معرفی روایات موضوع مانند: عرضه بر قرآن کریم، تعارض با احادیث متواتر، عرضه بر سنت، عرضه بر عقل، اتهام به غلو در معرفی سند، توجه به تقیه و داشتن عداوت به اهل بیت عرضه کرده است.

کلید واژه‌ها: *معیارهای نقد، حدیث موضوع، مجلسی، بحارالانوار*

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس؛ maryamossadatzebarjad@gmail.com
۲. استاد دانشگاه تربیت مدرس، (نویسنده مسئول)؛ NAEENI_N@modares.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

مقدمه

جعل در لغت به معنی ساختن (فراهیدی، ۲۲۹/۱؛ صاحب بن عباد، ۲۵۷/۱)، تغییر دادن صورت یک چیز به وسیله ایجاد اثر در آن (عسکری، ۱۲۸)، شدن، پیدا کردن، آفریدن یک چیز از چیز دیگر، تغییر حالت دادن یک چیز به حالت دیگر، حکم به یک چیز بر چیز دیگر چه به حق باشد چه ناحق (راغب اصفهانی، ۱۹۶) آمده است. بر این اساس جعل حدیث می‌تواند به معنی قلب و دگرگون ساختن اخبار پیامبر(ص) و همچنین بر ساختن موارد جدید و نسبت دادن آن به ایشان باشد. در غالب موارد مقصود از جعل (وضع) حدیث مورد دوم است، هرچند برخی تغییرات کوچک در متن یک حدیث که به‌طور کلی معنای حدیث را منقلب می‌کند و هدف صدور حدیث را عوض نماید نیز از دید عالمان حوزه حدیث، جعل و وضع محسوب می‌شود. عالمان حدیث تعریف اصطلاحی جعل (وضع) حدیث را چنین ارائه کرده‌اند: «هو المکذوب المختلق المصنوع[1]» (شهید ثانی، ۱۵۲؛ مامقانی، ۳۹۸/۱) و «هو الحدیث المختلق المصنوع الذی رواه کذاب من کلامه أو من کلام غیره و نسبه عمدا و افترا الی النبی(ص) [2]» (امینی، ۵).

بنابراین حدیث موضوع (جعلی) با حدیث معلل و ضعیف تفاوت دارد. آگاهی از زمان شروع جعل حدیث در بین امت اسلامی و آگاهی از انگیزه‌های جاعلان از جعل و نشر حدیث، می‌تواند در شناخت احادیث موضوعه مفید باشد. در این راستا بسیاری از دانشمندان حوزه حدیث با استناد به احادیث «من کذب»، (من کذّب علیّ فلیتبوّأ مقعده من النار: هرکس بر من دروغ ببندد، پس جایگاه او در آتش است) شروع جعل احادیث را زمان حیات پیامبر اسلام(ص) معرفی می‌نمایند (ابن حجر عسقلانی، ۱۶۲/۱؛ دارمی،

---

[1] -آن، دروغ، خلق شده و برساخته شده است.

[2] - آن حدیث خلق شده و برساخته شده ای است که دروغگو آنرا از کلام خود یا از کلام غیر خود روایت کرده است و عمدا و بخاطر دروغ بستن آنرا به پیامبر ص نسبت داده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

۱۳۶/۱؛ ابن ادریس، ۱۵۴/۲؛ احمدی میانجی ۵۴۲/۱).

علل دروغ بستن بر پیامبر اسلام(ص) بنا بر شهادت تاریخ و محققان، مختلف بوده است. از مهمترین مسائل جهان اسلام، پس از وفات پیامبر(ص) قطعا مساله جانشینی پیامبر و اداره کردن جامعه اسلامی و در دست گرفتن مدیریت منابع مالی و اجتماعی و سیاسی جامعه بود. مساله‌ای که می‌توانست طمع بسیاری از مسلمانان و غیرمسلمانان و مشرکان و منافقان را به خود جلب نماید و از طرف دیگر از آنجا که اسلام در پی سیطره خود بر تمام جهان بود، این امر زنگ خطری برای سایر ادیان الهی و غیر الهی و سردمداران دنیاپرست آنها محسوب می‌شد چرا که در صورت گسترش اسلام و مسلمان شدن پیروانشان و یا قرار گرفتن ایشان در سیطره حکومت اسلامی، سردمداران غیرمسلمان نیز بسیاری از مطامع مادی و دنیایی خود را از دست می‌دادند. از آنجا که پیامبر اسلام(ص) بارها در مواضع مختلف اهل‌بیت(ع) را جانشینان خود معرفی فرموده بود و در بیان فضایل آنها احادیث فراوانی در جامعه و در بین مردم یافت می‌شد، کسانی که منافقانه مسلمان شده بودند تا از مزایای ظاهری اسلام استفاده کنند و به مطامع مادی خود دست یابند، برای در دست گرفتن خلافت و جانشینی رسول الله(ص) بعد از وفات ایشان به جعل گسترده احادیث برای محو فضایل اهل بیت و پررنگ کردن فضایل خلفا دست زدند (غروی نایینی، فقه الحدیث و روشهای نقد متن، ۶۸) تا جایی که در زمان معاویه رسما دستور به بر ساختن احادیثی در بدگویی علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و به تبع آن بیان فضایل خلفا و پررنگ ساختن فضایل برخی از اصحاب و سپس بیان فضایل بنی امیه داده شد. (ابن‌ابی‌الحدید، ۵۶/۴ و ۷۲)، عده‌ای نیز برای برخورداری از مناصب حکومتی یا به طمع نزدیک شدن به خلفا برای خوشایند آنان حدیث جعل(وضع) می‌کردند (فضلی، ۱۳۶). در این میان عده‌ای نیز برای تشویق مردم به انجام عبادات به زعم خود به نفع دین و به نفع پیامبر دست به جعل احادیث در فضیلت برخی عبادات زدند. برخی از زنادقه و یهودیان نیز به منظور تضعیف دین اسلام و سست کردن پایه‌های آن احادیث جعلی را وارد دایره

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

احادیث مسلمانان نمودند. همچنین در زمانی که فرقه‌های مختلف اسلامی مشغول بحث‌های کلامی و اعتقادی بودند نیز عده‌ای با احساس نیاز به وجود احادیث از جانب پیامبر(ص) برای اثبات ادعای فرقه‌ای یا کلامی خود، احادیث بسیاری را جعل کردند و به آن حضرت نسبت دادند. آشنایی با انگیزه‌های پیش گفته در زمینه وضع حدیث در شناخت احادیث جعلی کمک شایانی به محقق می‌کند. (غروی نائینی، احادیث موضوعه، ۲۰). هشدار وجود احادیث موضوع پس از فرمایش رسول الله (ص) را در کلام ائمه معصوم(ع) می‌توان یافت.

مُحَمَّدُ بْنُ قُولَوَيْهِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ بُنْدَارَ مَعاً عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا سَأَلَهُ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا أَشَدَّكَ فِي الْحَدِيثِ وَ أَكْثَرَ إِنْكَارَكَ لِمَا يَرْوِيهِ أَصْحَابُنَا فَمَا الَّذِي يَحْمِلُكَ عَلَى رَدِّ الْأَحَادِيثِ فَقَالَ حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا حَدِيثَنَا إِلَّا مَا وَافَقَ الْقُرْآنَ وَ السُّنَّةَ أَوْ تَجِدُونَ مَعَهُ شَاهِداً مِنْ أَحَادِيثِنَا الْمُتَقَدِّمَةِ فَإِنَّ الْمُغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ لَعَنَهُ اللَّهُ دَسَ فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي أَحَادِيثَ لَمْ يُحَدِّثْ بِهَا أَبِي فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا مَا خَالَفَ قَوْلَ رَبِّنَا تَعَالَى وَ سُنَّةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ص فَإِنَّا إِذَا حَدَّثْنَا قُلْنَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص (کشی، ۲۲۴؛ مجلسی، ۲۵۰/۲).[۱]

این حدیث نشان می‌دهد که با راهنمایی معصومان علیهم السلام و ملاک هایی که برای شناخت احادیث موضوع بیان فرمودند پیروان ایشان در شناخت حدیث موضوع مترصد بوده‌اند. در کتابهای حدیثی علمای شیعه نیز موارد زیادی از تشخیص احادیث موضوعه و

۱. محمد بن قولویه و حسین بن حسن بن بندار با هم از سعد از یقطینی از یونس بن عبدالرحمن: اینکه بعضی از اصحاب ما از او سوال کرد و من حاضر بودم، پس به او گفت ای ابا محمد چقدر در حدیث محکم هستی و چقدر انکار تو از آنچه اصحاب ما روایت می‌کنند زیاد است. پس چه چیز تورا به رد احادیث وادار می‌کند؟ پس گفت هشام بن حکم برای من نقل کرد که شنید که اباعبدالله ع می‌گوید هیچ حدیثی را بر ما قبول نکنید مگر آنچه موافق قرآن و سنت است یا اینکه شاهدی از احادیث قبلی ما بر آن بیابید، پس آگاه باشید که مغیره بن سعید که لعنت خدا بر او باد در کتابهای یاران پدرم احادیثی را وارد نمود که او آنها را نگفته بود، پس از خدا بترسید و آنچه خلاف سخن پروردگارمان و سنت پیامبرمان است برما نپذیرید، چون ما وقتی نقل می‌کنیم می‌گوییم خدا فرمود و رسول الله فرمود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

تنقیح دامنه احادیث از اینگونه موضوعات یافت می‌شود. از جمله ایـن کتابهـا، بحـارالانوار علامه مجلسی است که این مقاله به بررسی آن پرداخته است. با بررسی حدود صد جلد از کتاب بحار الانوار، حدود شصت موضع این کتاب در زمینه احادیث موضوعه، مورد توجـه قرار گرفته است[۱].

در این موارد ملاک‌های علامه مجلسی در تشـخیص احادیـث موضـوعه و چگـونگی مواجهه ایشان با چنین احادیثی بررسی شده است که عبارتند از:

۱ـ تعارض با قرآن، سنت و عقل

در ذیل روایت مربوط به خواطر نفسانی و بخشوده شدن آنها تا زمانی که مورد تکلم و عمل واقع نشده باشند، علامه اخبار مربوط به افسانه غرانیق را بررسی کرده است. بر طبـق نظر ایشان این افسانه مخالف با آیات قرآن، مقتضیات عقلی و سایر احادیث اسـت و جـزو احادیث موضوع می‌باشد. هرچند خود افسانه غرانیق را با طرق و سندهای آن نیاورده، اما در مورد مضمون و موضوع بودن آن داستان، مفصل سخن گفته اسـت. برخـی احادیـث بـا اینکه عین عبارت متنی آنها در بحارالانوار آورده نشده است، با نقل مفهـومی، از احادیـث موضوع به حساب آمده‌اند. البته در موارد متعددی نیز متن حدیث در صـورتی کـه بسـیار مشهور باشد آورده شده است. این شیوه علامه در عدم نقل دقیق مـتن احادیـث موضـوعه بسیار ستودنی است. زیرا تکرار متن احادیث موضوعه خـود وسـیله‌ای بـرای تثبیـت ایـن

---

۱. (ج ۳، ص ۲۵۰) (ج ۸، ص ۲۰۲) (ج ۶۶، ص۲۸۰) (ج ۲۹، ص۳۳۶) (ج ۲، ص ۳۱۹) (ج ۶، ص ۲۹۱) (ج ۷، ص ۴۵) (ج ۱۲، ص ۲۴۵) (ج ۱۲، ص ۳۵۴) (ج ۱۴، ص۸۶) (ج ۱۴، ص ۹۷) (ج ۱۵، ص۱۲۲) (ج ۱۶، ص۲۵۶) (ج۱۷، ص ۵۶) (ج ۱۷، ص ۵۹) (ج۱۷، ص ۱۱۲) (ج۲۶، ص ۲۱۶) (ج۲۸، ص ۱۴۵) (ج۲۸، ص ۱۷۳) (ج۲۹، ص ۳۳۹) (ج۲۹، ص ۳۶۱) (ج۳۰، ص ۳۳۰) (ج۳۰، ص۳۹۹) (ج۳۰، ص ۴۱۳) (ج۳۰، ص۴۱۴) (ج۳۰، ص۴۱۶) (ج۳۰، ص ۴۸۶) (ج۳۰، ص ۵۶۶) (ج۳۰، ص۵۶۰) (ج۳۰، ص۵۸۹) (ج۳۰، ص۶۰۲) (ج۳۰، ص۶۲۸) (ج۳۰، ص ۶۸۰) (ج۳۱، ص ۱۰۶) (ج۳۱، ص۲۶۱) (ج۳۳، ص۱۹۱) (ج۳۳، ص۱۹۴) (ج۳۳، ص۵۰۳) (ج۳۵، ص۱۱۲) (ج۳۵، ص۱۵۷) (ج۳۵، ص ۲۶۷) (ج۳۵، ص۴۰۷) (ج۳۶، ص۴۱۴) (ج ۳۸، ص۱۹۴) (ج۴۲، ص۱۵۸) (ج۴۴، ص ۲۹۴) (ج۴۶، ص۳۶۴) (ج۵۰ ، ص۴۸) (ج۵۰، ص۷۱) (ج۵۰، ص۸۱) (ج۵۲، ص۸۸) (ج۵۲، ص ۳۷۱) (ج۵۴، ص۵۱) (ج۵۴، ص۶۲) (ج۵۶، ص ۳۳۸) (ج۶۰، ص۲۷۶) (ج۶۵، ص۲۱۰) (ج۶۶، ص۲۸۰) (ج۶۹، ص۲۴۹) (ج۷۱، ص ۲۵۹) (ج ۸۲، ص ۳۳۷) (ج۸۸، ص۹۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

احادیث در ذهن خواننده می‌باشد و بنابر قول مشهور «یذهب الباطل بترک ذکره» لازم است که حتی‌الامکان از این کار اجتناب شود. البته در مورد احادیث موضوعه‌ای که به حدی در اذهان و افکار مردم تکرار شده‌اند که بیم آن می‌رود که همگان آنها را صادر شده از معصومین علیهم‌السلام بدانند، روش علامه آوردن عین متن حدیث در کنار کلماتی مثل «موضوع» و «مفتری» و «اباطیل» است. رد علامه در مورد افسانه غرانیق چنین است:

«أما أهل التحقیق فقد قالوا هذه الروایة باطلة موضوعة و احتجوا بالقرآن و السنة و المعقول أما القرآن فوجوه»[1](مجلسی، ۵۳/۱۷). ایشان پس از بیان کلیات مردود بودن افسانه غرانیق از دید اهل تحقیق، به نقل دلایل مبسوط از قرآن و سنت و عقل در رد آن می‌پردازد. (همانجا)

۲ـ تعارض با قرآن، سنت و تاریخ

الف) حدیثی از ابوبکر به نقل از نبی مکرم اسلام(ص) مبنی بر اینکه پیامبران ارثی برای خود باقی نمی‌گذارند آمده است. علامه با ارائه دلایل نقلی و عقلی به اثبات وقوع وضع در این خبر می‌پردازد. در استدلال عقلی سه حالت برای روایت در نظر می‌گیرد که این روایت یا با سماع ابوبکر بوده است یا با شهادت دوشاهد یا هر دو. سپس در اقامه برهان خود دلایلی از روایات موجود در کتب اهل سنت مبنی بر طلب ارث توسط فاطمه(س) بیان می‌کند. بعد از آن معارض بودن خبر را با آیات قرآن درباره ارث سلیمان از داود و سایر آیات انبیاء درباره وارث داشتن نشان می‌دهد (مجلسی، ۳۵۲/۲۹) در ادامه این استدلال به بیان مفسران مانند فخررازی و دیگران می‌پردازد، سپس روایت جامع الاصول از سنن ابی داود را نقل می‌کند که فاطمه (س) برای طلب میراثش از پدرش نزد ابوبکر رفت... (ابن‌اثیر، ۷۴۴۰/۹ ؛ ابی‌داود، ۲۹۷۳/۳). گفته ابن ابی الحدید را نیز آورده است (مجلسی،

---

۱. پس اهل تحقیق گفته‌اند که این روایت باطل و موضوع است و به قرآن و سنت و عقل استدلال کرده‌اند. پس قرآن، وجوهی دارد... .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

۳۷۱/۲۹). پس از بحث مفصل در مسئله صدقه بودن یا نبودن میراث پیامبر جواب ابو عثمان جاحظ در کتابش العباسیه را می‌آورد که حضرت زهرا (س) وصیت کردند که ابوبکر بر آن حضرت نماز نگذارد پس از آنکه آن حضرت از او طلب میراثشان را کردند و او ممانعت کرد. در مرحله آخر شواهدی که در احادیث وارده از امیرالمومنین(ع) مبنی بر جعلی بودن خبر ابوبکر است را ذکر می‌نماید. ایشان همچنین شواهد تاریخی مورد اتفاق در زمینه رد این روایت را آورده است. به این ترتیب با استدلالاتی از قرآن، سنتِ مورد اجماع و تاریخ، موضوع بودن حدیث را نشان می‌دهد (نک: ۳۳۶/۲۹ـ۳۹۴) و می‌نویسد:

«انا مع قطع النظر عن جمیع ما تقدم نحکم قطعا بأن مدلول هذا الخبر کاذب باطل، و من أسند الیه هذا الخبر لایجوز علیه الکذب، فلابد من القول بکذب من رواه و القطع بأنه وضعه و افتراه»[1](مجلسی، ۳۶۴/۲۹)

ب) علامه مجلسی پس از بیان خبری از تحریم متعه توسط خلیفه دوم از اهل سنت، «أنه حرم المتعتین؛ متعة الحج و متعة النساء»[2] (مجلسی، ۵۹۴/۳۰)، می‌نویسد: او را نشاید که احکام تشریع کند و حکمی را که پیامبر(ص) امر فرمود او حرام کند که نشان دهنده این است که از نفس خود پیروی کرده به جای اینکه از کسی که «**ما ینطق عن الهوی**»[3] پیروی کند. لازم به ذکر است که اخبار تحریم متعه توسط عمر چند نوع است. در نوع اول لفظ تحریم بکار نرفته و عبارت «متعتان محللتان فی عهد رسول الله متعه النساء و متعه الحج و انا انهی عنهما و اعاقب علیهما» (ابن‌شهرآشوب، ۱۸۹/۲) آمده است و در نوع دیگری از روایت مضمون «انا احرمهما» (ابن‌بابویه، ۱۰/۱) آمده است. در هر صورت نهی و یا تحریم را عمر به پیامبر(ص) نسبت نداده است، اما از آنجا که عمل تشریع مختص خدا و پیامبر

---

۱. ما قطع نظر از همه آنچه که آمد با قطعیت حکم می‌کنیم که مدلول این خبر دورغ و باطل است و مجاز نیستیم که کسانی که این خبر به آنها نسبت داده شده است را دروغگو بنامیم، پس ناچاریم راویان خبر را دروغگو بدانیم و با قطعیت اعلام کنیم که راوی آنرا وضع کرده و به دروغ نسبت داده است.

۲. او دو متعه را تحریم کرد، متعه حج و متعه زنان.

۳. (آنکه) هرگز از روی هوس سخن نمی‌گوید.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

است، تغییر حلال و حرام می‌تواند مصداق اتم وضع و جعل در دین باشد و علامه مجلسی از این لحاظ نسبت وضع را در مورد متعه به عمر داده است. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر مکشوف می شود که بدانیم عمر مجازات رجم برای متعه در نظر گرفته بود. (مجلسی، ۵۹۹/۳۰)

سپس علامه استدلال متعة نساء و شواهد از ائمه را ذکر می‌کند. چنانکه روایت را از کتاب مسلم و ترمذی می‌آورد (مسلم، ۴۶۷/۱ کتاب النکاح؛ ترمذی، ۶۰۱). علت موضوع بودن حکم را تعارض آن با روایات دیگر و آیات قرآن دانسته است (مجلسی، ۶۲۸/۳۰) علاوه بر این، شواهد تاریخی در اثبات وقوع وضع آورده است:

عوّلوا فی ذلک علی روایات متناقضة أوردوها فی کتبهم ترکناها مخافة الإطناب، و أجیب عنها بوجوه: الأول: أنّ تناقض تلک الروایات تدلّ علی کونها موضوعة، إذ بعضها یدلّ علی أنّها نسخت یوم خیبر، و بعضها یدلّ علی أنّ الإباحة و التحریم کانا فی مکة قبل الخروج منها بعد الفتح. و بالجملة؛ هذا النوع من الاختلاف فی الروایة دلیل واضح علی کذب الراوی.[۱]

علامه چهار دلیل در این زمینه آورده است که یکی از آنها به جهت اختصار در بالا آمده است. این دلایل شامل وجود تعارض در اخبار تحریم متعه از لحاظ زمان وقوع تحریم و مکان آن در مرحله اول، دوم اجرای روایات حلیت تا زمان عمر، سوم وجود ضرورت زمانی در تحریم عمر و تباین تحریم او با نسخ روایت پیامبر(ص) و چهارم انکار روایت توسط اهل بیت که داناترین افراد به احکام پیامبر(ص) هستند، می‌باشد (همانجا).

۳ـ تکذیب روایت توسط معصوم(ع)

در تتمه کتاب فتن و محن حدیثی در مدح خلیفه دوم و فرار شیطان از او بیان شده

---

۱. در این امر مراجعه نادرست به روایات متناقضی که خودشان آنها را در کتابهایشان وارد کرده بودند و ما بخاطر دوری از اطناب آنها را بازگو نمی‌کنیم داشتند، و به چند وجه پاسخ آن را می‌دهم. اول اینکه تناقض این روایات نشان می‌دهد که این روایات موضوعه هستند، زیرا بعضی دلالت دارد که روز خیبر متعه نسخ شد و برخی دلالت دارد که مباح بودن و تحریم در مکه و قبل از خروج از مکه برای فتح وجود داشت... و به‌طور کلی این نوع از اختلاف در روایت دلیل واضحی بر کذب راوی است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

است. رد امیرالمومنین بر این حدیث هم به عنوان سند محکم در موضوع بودن آن آمده است. علامه ماجرای تاریخی خطبه حضرت امیر که اشعث نیز در میان شنوندگان این خطبه بود را بیان می‌کند تا جایی که حضرت فرمود: «سلقوکم، أی ضربوکم و اذوکم بالسنة حداد: ذریه یطلبون الغنیمة و السلق یکنیه... ای ناداه بالکنیة (شما را با زبان‌های تیز خواهند زد (ضربه و آزار): فرزندانی که به دنبال غنیمت هستند).

اشعث گفت من می‌دانم منظورت عمر است او کسی است که پیامبر درباره‌اش گفت: «ان الشیطان یفر منه» (شیطان از او فرار می‌کند)، امام(ع) فرمود: «استهزاء و تکذیبا للخبر الموضوع: (به عنوان استهزاء و تکذیب این خبر موضوعه) ما آمن الله روعة الشیطان اذا کان یفر من مثل عمر (خدا ترس شیطان را تمام نخواهد کرد اگر از امثال عمر فراری باشد)» (مجلسی، ۳۳۰/۳۰).

٤ـ عرضه بر روایات متواتر

الف) مجلسی(ره) پس از بیان خطبه غدیر و ولایت امیر المومنین(ع) و نشان دادن توفر قرائن در صدور حدیث غدیر از جانب پیامبر (به عنوان مثال بیان حدیث عَلِیٌّ وَلِیُّ کُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی[1]) معارضت این حدیث را با روایاتی همچون روایت زیر نشان می‌دهد و این‌گونه احادیث را برساخته اعلام می‌نماید:

اقْتَدُوا بِاللَّذَیْنِ مِنْ بَعْدِی أَبِی بَکْرٍ وَ عُمَرَ[2] (مجلسی، ۵۸۹/۳۰)

ملاحظه می‌شود که علامه مجلسی در آوردن براهین روشی کاملا علمی در پیش گرفته‌اند و استنادات و شواهد خود را حتی‌الامکان از منابع مورد پذیرش فریقین آورده‌اند، او ضمناً از بیان مفترقات و موضوعات مربوط به مذهب تشیع خودداری ننموده و سعی در بیان حقایق با اتیان دلایل متقن داشته است.

---

۱. علی (ع) ولی هر مومنی بعد از من خواهد بود.

۲. به دونفر بعد از من ابوبکر و عمر اقتدا کنید.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

ب) علامه حدیثی شامل قسمتی از زیارت عاشورا که شامل لعن دو نفر از اهل این امت است را آورده (۳۹۹/۳۰) و سند آن را تایید نموده است. ایشان سپس به این بحث می‌پردازد که عدم ذم خلفا توسط ائمه علیهم‌السلام و ذکر خیر ائمه علیهم‌السلام از ایشان به منزله تایید خلفا نیست بلکه اخبار این سکوت و یا ذکر خیر، هم شاذ هستند و هم تقیه در آنها ظاهر است و به خاطر مخالفت با اخبار فراوان و متواتر معارض قابل تمسک نمی‌باشند. البته در این بحث مقصود علامه از اخبار متواتر معارض، اخبار موجود در احادیث شیعه بوده است. بخشی از اخبار وارده توسط اهل سنت دیده شده است و بخش دیگر به علت تقیه در برابر آنها و یا رد خود ایشان، وارد مجموعه‌های حدیثی اهل سنت نشده است. علاوه بر این علامه مجلسی در کنار این برهان که تمسک به روایات متواتر شیعی است از استدلالات دیگری نیز بهره گرفته است. وجود احادیث فضایل ائمه تا حدود سیصد سال در کتب اهل سنت دلیل دیگر ایشان است.

ملاحظه می‌شود که بسیاری از ملاک‌های تشخیص احادیث موضوعه از مجموعه گران‌سنگ بحارالانوار قابل استخراج است. ایشان در مجلد سی‌ام از کتاب بحارالانوار، بسیاری از احادیث موضوعه موجود در کتب اهل سنت را که عموما در رد فضایل اهل‌بیت(ع) است آورده و با دلایل وافر عقلی و نقلی و تاریخی به بیان موضوع بودن آنها می‌پردازد. از جمله حدیثی را به نقل از کتاب الفتن و المحن به شرح زیر آورده است:

فَقَدْ رَوَى مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ـ جِهَاراً غَيْرَ سِرٍّ ـ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ آلَ أَبِي طَالِبٍ لَيْسُوا لِي أَوْلِيَاءَ، وَ إِنَّمَا وَلِيِّيَ اللَّهُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِين[1] (همو، ۴۱۴/۳۰).

ایشان در ادامه به بیان دشمنی عمرو عاص با امیرالمؤمنین (ع) به نقل از کتب اهل سنت می‌پردازد و سرنوشت روایت فوق را در کتب اهل سنت به این صورت معرفی می‌نماید که

---

۱. همانا مسلم در صحیح خود با سندهایش از عمربن عاص روایت کرده است که گفت: از رسول الله (ص) به صورت آشکارا و غیر سری شنیدم که می‌گفت: آگاه باشید که خاندان ابی طالب دوستان من نیستند، پس همانا دوستان من خدا و مومنین نیکو کردار هستند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

عامه علما وقتی زشتی این حدیث را دیدند لفظ حدیث را از آل ابی طالب به آل فلان تغییر دادند. و این مساله را دلیلی بر جعلی بودن روایت می‌داند. (مخالفت با افکار عامه مسلمانان ـ وجود راوی متهم به کذب در سلسله روات حدیث) علاوه بر آن به رد راوی اکتفا نمی‌کند و در صفحات بعد ابن مبحث به طور مفصل به ریشه‌یابی علت وضع احادیثی که در بیان فضایل خلفا دچار اغراق شده‌اند و یا ذمی بر اهل بیت علیهم‌السلام دارند می‌پردازد و چندین صفحه مفصلا در این باره توضیح می‌دهد.

۵ـ تشویش در متن و اتهام به غلو

در باره طی الأرض جابر بن یزید از أصحاب امام باقر(ع) خبری نقل شده است. در جملات انتهایی این خبر، مطلب غریبی وجود دارد به این مضمون که جابر در یک زمان، در دو مکان حاضر بود. در توضیح این حدیث علامه مجلسی آورده است:

هَذَا حَدِیثٌ مَوْضُوعٌ لَا شَکَّ فِی کَذِبِهِ وَ رُوَاتُهُ کُلُّهُمْ مُتَّهَمُونَ بِالْغُلُوِّ وَ التَّفْوِیضِ، بیان قوله هذا حدیث موضوع کلام الکشی أو الشیخ لأنه موجود فی اختیاره و لا ریب فی کونه موضوعا و هو مشتمل علی القول بالتناسخ و التشویش فی ألفاظه و معانیه فلهذا لم نتعرض لشرحه (مجلسی، ۲۷۹/۶۶).[۱]

ملاحظه می‌شود که ایشان از لحاظ رجالی، روات حدیث را بررسی کرده، اتهام غلو و تفویض روات را از قول کشی یا شیخ طوسی نقل نموده، و به وجود خدشه نسبت به روات حدیث در کتاب اختیار شیخ طوسی استدلال کرده است. پس از بررسی سندی، علامه به بررسی متنی حدیث پرداخته است و دیدگاه خود نسبت به متن حدیث را اعلام نموده است. ایشان اعتقاد به تناسخ را لازمه پذیرفتن مفهوم حدیث دانسته و به این علت حدیث را موضوع دانسته است. این ملاک در واقع همان ملاک مخالفت حدیث با اصول مذهب

۱. این حدیث موضوع است و شکی در کذب آن نیست و راویان آن همه متهم به غلو و تفویض هستند. بیان سخن او: اینکه حدیث موضوع است، کلام کشی یا شیخ است چون در کتاب اختیار او وجود دارد و شکی در موضوع بودن آن نیست چون مشتمل به عقیده به تناسخ است و در الفاظ و معانی آن تشویش وجود دارد بنابراین به شرح آن نمی‌پردازیم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

است. علاوه بر آن ایشان ملاک تشویش الفاظ توام با تشویش معانی را نیز در مورد متن این حدیث صادق می‌داند. بنابر این موارد، حدیث را موضوع به حساب آورده و به شرح آن نپرداخته است. باید گفت: متن این حدیث که در حدود نصف صفحه است، فقط در خط آخر، دارای تشویش الفاظ و معانی می‌باشد و در این صورت ممکن است که بتوان تنها خط انتهایی حدیث را حاوی غلو و مطالب نادرست خواند. زیرا طی الارض برای بسیاری از اصحاب ائمه ثابت شده است و آنچه با اصول مذهب مغایرت دارد فقط قسمت آخر حدیث است که شخص همزمان در دو محل متصور شده است.

۶ـ توجه به شرایط تقیه در عدم انکار حدیث موضوع

الف) علامه مجلسی درباره خبری که حضرت سلیمان(ع) را با پیامبر اسلام(ص) مقایسه می‌کند، آورده است:

«الظاهر أنه (ع) کان یعلم أن الخبر موضوع و إنما أوله تحرزا عن طرح الخبر المشهور بینهم تقیهٔ و لذا ردد علیه السلام بین الوجهین و لو کان صادرا عنه (ص) لکان عالما بما أراده به» (مجلسی، ۸۵/۱۴).[۱]

علامه مجلسی خبر را ظاهرا موضوع فرض کرده است . به عقیده او علت اینکه امام(ع) حکم به موضوع بودن خبر نداده است یا تقیه است یا مطلبی بر امام مکشوف بوده است که ما نمی‌دانیم. مطابق این مطلب، ایشان یکی از ملاک‌های تشخیص خبر موضوع را توجه به حال تقیه دانسته است. به عقیده علامه مجلسی در این مورد و موارد مشابه دیگر ممکن است که ائمه حدیث را موضوع قلمداد نکنند و آنرا به موارد صحیح تاویل نمایند و هدف ایشان احتمالا آموزش به متعلمین و تاکید بر این نکته باشد که به مجرد اضطراب در متن و سند، حدیث را متروک و موضوع تلقی ننمایند. این نکته در کنار تقیه از ملاک‌های مهم

۱. ظاهر این است که او ع می‌دانست گه خبر موضوع است و آنرا برگردانده است بخاطر دوری از رد یک خبر که بین آنها مشهور بود و بخاطر تقیه و بنابراین او ع دو وجه را بیان کرده است در حالی که اگر از پیامبر(ص) صادر شده بود او می‌دانست که آن حضرت (ص) چه چیز را اراده کرده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

بررسی احادیث موضوعه در بحارالانوار توسط علامه مجلسی است.

ب) علامه در بررسی حدیثی از عایشه درباره عطر پیامبر(ص): «انه یتطیب بذکارة الطیب»[۱] می‌نویسد:

«قوله و هو فیها حمل علی التقیة أو علی أنه من موضوعات العامة و ربما حمل علی بیان الجواز و کذا الاستذکار إما من الموضوعات أو محمول علی أنه (ص) إنما فعله للتعلیم» (مجلسی، ۲۵۵/۱۶).[۲]

به این مضمون که این حدیث احتمالا محمول بر تقیه باشد یا اینکه از موضوعاتی باشد که عامه وضع کرده‌اند و شاید بشود برای بیان جواز استفاده از عطر مردانه از آن استفاده کردو احتمال دیگری هم داده است که شاید پیامبر ص برای تعلیم این کار را انجام داده باشند. ملاحظه می‌شود که ملاک تقیه در تشخیص خبر موضوع و ملاک تعلیمی بودن نقل خبر، به جهت آموزش نحوه مواجهه با اخبار و یا تعلیم موضوع خبر به مستمعین، اینجا هم مورد استفاده قرار گرفته است.

ج) علامه پس از بیان خبری که ایام الله را منطبق بر ائمه (ع) می‌داند به نقل از امام هادی(ع) که در حال حبس بودند اضافه می‌کند که برخی از اخبار عامه بر ائمه (ع) عرضه شده است و ایشان به موضوع بودن آن تصریح نکرده‌اند بلکه آن را مطابق با حق تاویل کرده اند و این خبر هم ممکن است از همان دسته باشد. (۴۱۴/۳۶)

أقول وجدنا کثیرا من الأخبار العامیة تعرض علی الأئمة (ع) و هم لا یصرحون بکونها موضوعة تقیة بل یؤولونها علی ما یوافق الحق و یمکن أن یکون هذا الخبر أیضا کذلک مع

---

۱. او با عطرهای به یادماندنی خود را معطر می‌کند.

۲. سخن او در حالی که حمل بر تقیه در آن وجود دارد یا اینکه از موضوعاتی است که مربوط به عامه مسلمین است و چه بسا برای بیان جواز باشد و بنابراین یادآوری آن یا از موضوعات است یا اینکه حضرت (ع) برای تعلیم این کار را انجام داده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

أن لأخبارهم أیضا ظهرا و بطنا کالقرآن و الله یعلم.[۱]

ملاحظه می‌شود که توجه به تقیه و تاویل ائمه به مقتضای آموزش اصحاب نیز مورد توجه است.

توجه به علت دشمنی با اهل بیت

الف) علامه در جایی دو حدیث نقل شده از عائشه که علی(ع) را به سوء عاقبت مبتلا می‌داند را، ذکر کرده و سپس در مورد آن نظر می‌دهد:

۱ـ عن عائشه قالت: کنت عند رسول الله اذ أقبل العباس و علی، فقال: یا عائشه! ان هذین یموتان علی غیر ملتی، أو قال: دینی.[۲]

۲ـ قالت: کنت عند النبی (ص) اذ أقبل العباس و علی، فقال : یا عائشه! ان سرک أن تنظری الی رجلین من أهل النار فانظری الی هذین قد طلعا، فنظرت فاذا العباس و علی بن ابی طالب.[۳]

به نظر علامه مجلسی یکی دیگر از ملاک‌های رد حدیث و اثبات موضوع بودن آن را با تمسک به اقوال اهل سنت، داشتن عداوت نسبت به شخص خاصی که حدیث درباره او گفته شده است بیان می‌کند.

وَ رَوَی عَبْدُ الرَّزَّاقِ، عَنْ مَعْمَرٍ، قَالَ: کَانَ عِنْدَ الزُّهْرِیِّ حَدِیثَانِ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ فِی عَلِیٍّ عَلَیْهِ السَّلَامُ، فَسَأَلْتُهُ عَنْهُمَا یَوْماً، فَقَالَ: مَا تَصْنَعُ بِهِمَا وَ بِحَدِیثِهِمَا؟! اللَّهُ أَعْلَمُ بِهِمَا، إِنِّی

---

[1] - می‌گویم که ما عده زیادی از اخبار عامه را یافتیم که بر ائمه ع عرضه شده است و آنها بخاطر تقیه به موضوعه بودن آن تصریح نفرموده اند بلکه آنرا به طوری که موافق با حق باشد تاویل نموده اند و ممکن است که این خبر هم چنین بوده باشد علاوه بر اینکه باید دانست که خبرهای آنا نیز از لحاظ داشتن ظهر و بطن مانند قرآن است.

[2] - از عایشه که گفت نزد رسول الله بودم که عباس و علی آمدند، پس فرمود ای عائشه ! این دو بر غیر ملت من می‌میرند یا اینکه گفت دین من

[3] - گفت پیش پیامبر ص بودم که عباس و علی آمدند، پس فرمود ای عائشه ! اگر خوشحال می‌شوی که به دو مرد از اهل آتش نگاه کنی، پس به این دو که وارد شدند نگاه کن، پس نگاه کردم پس عباس و علی بن ابی طالب بودند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

لَأَتَّهِمُهُمَا فِی بَنِی هَاشِمٍ. (مجلسی، ۴۰۲/۳۰)[۱]

ایشان در ادامه، تکیه اهل سنت بر صحاح سته را که به مانند تکیه ایشان بر قرآن است به این دلیل که احادیث کتب سته با استناد به کتب خود ایشان از بین هزاران حدیث انتخاب شده است را نادرست می‌داند و بنابراین[۲]، این دو حدیث را مخدوش اعلام می‌کند.

ب) ایشان حدیثی با این مضمون که ابی طالب (ع) اهل جهنم است را به نقل از اهل سنت آورده است (۱۱۲/۳۵) و با استناد به اینکه مغیره بن شعبه واضع این حدیث و از دشمنان آل ابی طالب است و دشمنی او در تاریخ ثابت است و با آوردن شواهد تاریخی از این دشمنی در نقل‌های صحیح اهل سنت، این حدیث را موضوع خوانده است. علامه به این دلیل سندی ـ تاریخی اکتفا نمی کند بلکه احادیث صحیح دیگری می‌آورد مبنی بر اینکه ایمان ابی‌طالب(ع) از ایمان همه مردم برتر است و حضرت علی (ع) از جانب پیامبر(ص) مامور شدند که هر سال به نیابت ایشان حج بجا آورند. ملاحظه می‌شود که حتی در مواردی که به دلیل متهم بودن راوی به کذب، حدیث را موضوع می‌داند، به استدلال رجالی و سندی اکتفا نمی‌کند و شواهد و قرائن دیگری را نیز برای اثبات سخن خود می‌آورند.

۷ـ روابط سیاسی افراد و موضوع بودن حدیث

خبری در مورد خطاکار نبودن خالد در زمان جنگ و تایید او توسط ابوبکر آمده است و علامه این خبر و امثال آنرا موضوع می‌داند، مانند خبر مرسل از ابی هریره که پیامبر فرمود: نعم عبدالله، خالد سیف من سیوف الله[۳] ابن اثیر در الکامل، تبری پیامبر از کار خالد

---

۱. و عبدالرزاق از معمر روایت کرد که گفت زهری دو حدیث از عروه از عائشه در مورد علی علیه‌السلام داشت، پس روزی از آن دو حدیث از او پرسیدم پس گفت با آن دو و با حدیث‌هایشان چه می‌کنی؟ خدا به آنها آگاه‌تر است، من آنها را در بنی‌هاشم متهم می‌کنم.

۲. بخاری کتابش را از ششصدهزار حدیث که داشت انتخاب کرد مسلم هم گفت از سیصد هزار حدیث شنیده‌ام کتابم را نوشتم و ابوداود گفت از رسول الله ۵۰۰۰۰۰ حدیث نوشتم از آنها کتاب سنن را انتخاب کردم (ابن‌اثیر، ۱۱۰/۱؛ و ۱۱۲ تحقیق الارناووط).

۳. چه بنده خوبی برای خدا است، خالد شمشیری از شمشیرهای خدا است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

را ذکر کرده است. ابن ابی الحدید اعتراف کرده که خالد کان جبارا فاتکا لا یراقب الدین فیما یحمله علیه غضبه و هوی نفسه».[۱]

ایشان در تحلیل این خبر، آن را مایه و وسیله‌ای برای تسلط کفار بر نیکان معرفی می‌کند. در واقع دلیل وضع این خبر را به شرح زیر بیان می‌کند:

«و روی ذلک فی خبر طویل یلوح من صدره إلی عجزه آثار الوضع، و الأظهر أنّه لیس غرضه التمسّک بالخبر، بل إنّما جعله سیفا سلّه اللّه علی الکفّار لمعاونته له علی التسلّط علی الأخیار» (مجلسی، ۴۸۶/۳۰).

ملاحظه می‌شود که توجه به مناسبات سیاسی نیز یکی از ملاک‌های تشخیص احادیث موضوع از دید علامه بوده است.

۸ـ احادیث فضائل مختص به ابوبکر

علامه مجلسی پس از بیان احادیثی که مربوط به تجلی خاص خداوند در روز قیامت برای ابوبکر می‌شود و یا اختیار روح ابوبکر را از بین همه ارواح خبر می‌دهد (مجلسی، ۴۱۴/۳۰) به بیان دلایل تاریخی در رد فضل ابی‌بکر می‌پردازد و عمده این دلایل را از کتب اهل سنت و علمای آنها می‌آورد. مثلا قضیه ریاست ابوبکر در موسم حج و عزل او توسط نبی مکرم اسلام (ص) از ریاست بخاطر آنچه ناپسند داشته شد را از کتب اهل سنت بیان می‌کند. ملاحظه می‌شود که تقریبا در هیچ کجا علامه مجلسی احادیث موضوعه را به صرف وجود یک راوی در سند آن، موضوع نمی‌پندارد بلکه در جای جای متن کتاب، به بررسی قرآنی، حدیثی، عقلی و تاریخی احادیث موضوع می‌پردازد.

روش علامه مجلسی در تشخیص موضوعات

علامه در مجموعه بحارالانوار بحثی درباره احادیث موضوع دارد که در لابلای

---

۱. خالد خشن و آدم‌کش بود و در آنچه که غضب و هوای نفسش او را بر آن وا می‌داشت دین را رعایت نمی‌کرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

موضوعات مختلف احادیث را بررسی کرده است. در بسیاری از مواردِ اقامه براهین، شواهد تاریخی را با قواعد عقلایی در آمیخته است و وضع یک حدیث یا صحت آن را از وقـایعی که فریقین آنها را قبول دارند با براهین منطقی نتیجه گرفته است. ایشان عـلاوه بـر معرفـی احادیث موضوعه، از احادیث صحیحی که از روی جهل و یا عمد به عنوان موضوع معرفی شده‌اند نیز رفع اتهام نموده است.

علامه خبر واحد نقل شده از طریق اهل سنت را حجت نمی‌داند و معتقد است که وضـع حدیث عادت قدیمی است (مجلسی، ۴۱۳/۳۰) و آورده است که در کتـاب جـامع‌الاصـول آمده که برخی از اهل ضلال بعد از آنکه از ضلالت برگشتند گفته‌اند: بنگرید کـه حـدیث را از چه کسی می‌گیرید زیرا ما هر وقت رأی و نظری را می‌دیـدیم بـرای آن حـدیثی جعـل می‌کردیم ـ مقصود اینست که هرگاه می‌خواستیم کـاری انجـام دهـیم بـرای توجیـه آن در جامعه حدیثی نقل می‌کردیم تا مردم بپذیرند. نیز می‌گوید: از صغانی نقل شده که گفته است از احادیث موضوع حدیثی است که گمان کردنـد کـه پیـامبر(ص) فرمـوده: ان الله یتجلـی للخلائق یوم القیامة عامة و یتجلی لک یا ابابکر خاصة[۱] و نیز فرمـود: حـدثنی جبرائیـل ان الله تعالی لما خلق الأرواح اختار روح ابی بکر من الأرواح[۲].

صنعانی گفته است من این مطلب را به عمر نسبت می‌دهم و مـی‌گـویم دربـاره او حـق است زیرا پیامبر فرمود: قولوا الحق و لو علی انفسکم أو الوالدین و الأقربین[۳] ـ یعنی به نظـر جناب صنعانی در قیامت خداوند برای عمر بن خطاب بطور خاص تجلی خواهد کرد ـ کـه البته این نیز جعل است. سپس علامه حدود پانزده خبر که بصـورت جمـلات نسـبتا کوتـاه است را بعنوان موضوعات ذکر می‌کند مانند: «من سب ابابکر و عمر قتل و من سب عثمـان

---

۱. به درستی که خداوند روز رستاخیز برای خلایق به صورت عام تجلی می‌کند و برای تو ای ابابکر بـه طـور خـاص تجلی می‌نماید.

۲. جبرئیل برایم گفت که خداوند تعالی هنگامی که ارواح را آفرید، روح ابوبکر را از میان آنها برگزید. این حـدیث را ابن جوزی و سیوطی نیز در کتابشان به عنوان حدیث موضوع ذکر کرده‌انـد (الموضـوعات، ۳۰۳/۱ـ۳۱۹؛ اللآلـی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة، ۲۸۶/۱ـ۲۸۹).

۳. حق را بگویید حتی اگر بر علیه شما یا پدر و مادر یا نزدیکانتان باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

و علیا جلد الحد[۱]»؛ «الجنة دار الاسخیاء»[۲] و یا «طاعة النساء ندامة»[۳] و ... (همانجا، ۴۱۴ـ۴۱۶). البته جهت رد این گفته‌ها مجلسی از منابع اهل سنت حقایقی که درباره ابوبکر بوده است را ذکر می‌کند.

مجلسی معتقد است که شیعه اخبار دینشان را از کسانی که به عروة الوثقی (قرآن) تعلق دارند گرفته است که این پیروی اهل بیت نبوت است که خداوند به پاکیشان شهادت داده و رسول‌الله(ص) درباره شان فرمود سفینة النجاة، نه از یک زنی که نسبت به امیرالمؤمنین بغض دارد گرفته باشند و قسم دیگر اخبارشان را از ابوهریره دوسی کذاب و انس بن مالک و معاویه و عمروعاص و زیاد که در میان فریقین به مولد خبیث بودن و نفاق داشتن مشهورند گرفته باشد و در اخر، علامه آیه شریفه قرآن را شاهد می‌آورد: «**و من لم یجعل الله له نورا فما له من نور**»[۴] (النور، ۴۰).

مجلسی هر مجموعه از احادیث جعلی را تحت یک علت و ریشه خاص مجعول و برساخته می‌داند و در مورد این علت‌ها نیز به تفصیل در کتابش شرح داده است. مثلاً در اینکه چرا احادیثی در مدح افراطی خلفا ساخته شد، به بررسی تاریخی و تبیین دقیق موضوع پرداخته است و همه جوانب تاریخی و سیاسی و ریشه‌ها و علل آن را بیان کرده است. آنگاه با دلایل علمی به رد آنها و اعلام وقوع وضع در آنها پرداخته است.

علامه مجلسی در مواضعی با احتیاط رفتار کرده و آنجا که دلایل و شواهد برای موضوع خواندن یک خبر کافی نبوده است، رسما در بیان وضعیت خبر اعلام توقف کرده است.

اشاره به وضع در دوران بنی امیه

علامه مجلسی به وقوع وضع در دوران بنی امیه و علل آن از جمله تصعیف بنی‌هاشم

---

۱. هر کس ابابکر و عمر را ناسزا بگوید، کشته می‌شود و هرکس علی و عثمان را ناسزا بگوید حد زده می‌شود. الموضوعات، ۳۲۸/۱؛ اللالی المصنوعه، ۳۰۹/۱.

۲. بهشت خانه سخاوتمندان است.

۳. پیروی زنان پشیمانی است.

۴. و هر کس خدا برایش نوری قرار ندهد پس نوری نخواهد داشت.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

اشاره کرده است.

و قد روی ابن عرفة المعروف بنفطویه و هو من أکابر المحدثین و أعلامهم فی تاریخه ما یناسب هذا الخبر و قال: إن أکثر الأحادیث الموضوعة فی فضائل الصحابة افتعلت فی أیام بنی أمیة تقربا إلیهم بما یظنون أنهم یزعمون به أنف بنی هاشم (مجلسی، ۱۹۴/۳۳).[۱]

ملاحظه می‌شود که ایشان به ریشه‌یابی علل وضع احادیث پرداخته است و تحلیل ایشان از احادیث موضوعه بیشتر از اینکه فقط اعلام وضعی بودن خبر باشد بیان ریشه‌ها و علل وضع است به نحوی که با خواندن استدلال‌های تاریخی، قرآنی و حدیثی موجود در این کتاب شریف برای خواننده شک و شبهه‌ای در جعلی بودن بسیاری احادیث باقی نمی‌ماند.

نتایج مقاله

۱ـ علامه مجلسی نقد سندی یک حدیث را هیچگاه به تنهایی انجام نداده و در هر موردی که حدیث را بر اساس سند موضوع خوانده، شواهد دیگری نیز در کنار آن ذکر کرده است که همه این شواهد متنی است و مربوط به تحلیل تاریخی متن حدیث یا بررسی سائر قرائن از سنت و همچنین استدلالات عقلی و قرآنی یا مجموع این دلایل است همچنین موارد تقیه‌ای را متذکر شده است.

۲ـ علامه مجلسی در حکم دادن به وضعی بودن یک حدیث کاملا عالمانه و به دور از تعصبات فرقه‌ای عمل کرده است. شواهدی که در این زمینه می‌توان ارائه داد، استدلال به احادیث مورد پذیرش اهل سنت، استدلال به اصول متفق علیه فریقین، استدلال به ایات قرآن و استدلال به شواهد تاریخی مورد پذیرش فریقین و به ویژه اهل سنت و استناد به متون حدیثی اهل سنت و استناد به موارد مورد پذیرش عامه مسلمین است. همچنین ایشان وجوه مختلف یک مساله را از لحاظ عقلایی بررسی کرده است.

---

۱. و ابن عرفه معروف به نفطویه که از بزرگان محدثین و مهمترین آنها در تاریخش است، آنچه مناسب این خبر است را روایت کرد و گفت: بیشتر احادیث موضوعه در فضائل صحابه در ایام بنی امیه به قصد نزدیکی به آنان و بخاطر آنچه گمان می‌کردند به خاک مالیدن بینی بنی هاشم است، انجام شده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

۳ـ علامه مجلسی علاوه بر بررسی متقن متن احادیث و دقت در همه جوانب و شواهد موجود برای موضوع اعلام کردن یک حدیث، به ریشه‌یابی علل جعل حدیث در امت اسلامی پرداخته و در جلد سی‌ام از بحارالانوار دلایل تاریخی، روانی، سیاسی و مذهبی وضع حدیث را به طور متین و مفصل مورد بحث قرار داده است.

۴ـ از نکات ظریف و ستودنی مورد توجه در بحارالانوار این است که علامه در برخی موارد از اعلام نظر در مورد موضوعه بودن حدیث خودداری کرده‌اند و علم این مساله را به اهل آن واگذار نموده توقف خود را نیز اعلام داشته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید ابن هبه الله، شرح نهج البلاغه، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق

۳. ابن ادریس، محمد بن احمد. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات) محققان حسن موسوی و ابوالحسن ابن مسیح، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۳۷ق.

۵. ابن جوزی، عبد الرحمن ابن علی. الموضوعات، مکتبه السلفیه، مدینه، ۱۹۶۶م.

۶. ابن حجرعسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، الخیریة المخشاب، مصر، بی‌تا.

۷. ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، داربیدار للنشر، قم، ۱۳۶۹.

۸. ابوداود، سجستانی سلیمان بن اشعث ، سنن ابی داود، مکتبة العربیة، بی‌تا.

۹. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۹ق.

۱۰. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، دار الکتاب العربی،بیروت، بی‌تا.

۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری(الجامع الصحیح)، مطبعه الامیریه بیولاق، مصر، ۱۴۰۷ق.

۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، دار الکتب العلمیة، بیروت ۱۴۰۸ق.

۱۳. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، السنن، نشر استانبول، استانبول ۱۴۰۱ق.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بی‌نا، بیروت ۱۴۱۲ق.

۱۵. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، سرای امید، ۱۳۹۲ش.

۱۶. شهید ثانی، زین الدین ، الرعایة فی علم الدرایة، تعلیق و تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، چاپ دوم، مکتبة آیة الله مرعشی، قم، ۱۴۱۳ق.

۱۷. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغه، عالم الکتاب، بیروت ۱۴۱۴ق.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبة للحجه، محققان عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم دارالمعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.

۱۹. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بی‌نا بیروت، ۱۴۰۰ق.

۲۰. غروی نائینی، نهله. احادیث موضوعه، بی‌نا، تهران ۱۳۹۷ش.

۲۱. همو؛ فقه الحدیث و روشهای نقد متن، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۹۱ش.

۲۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، بی‌نا، قم، ۱۴۰۹ق.

۲۳. فضلی، عبدالهادی، اصول الحدیث، چاپ دوم، مؤسسه ام القری للتحقیق و النشر، بی‌جا، ۱۴۱۶ق.

۲۴. کشی، محمد بن عمر، رجال‌الکشی (اختیار الرجال)، موسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد ۱۴۰۹ق.

۲۵. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه فی علم الدرایه، تحقیق محمدرضا مامقانی، ج ۱، آل‌البیت، قم ۱۴۱۱ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]

۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی و دارالرضا، ۲ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۳ و ۳۵ و ۳۶ و ۶۶، الطبعة الثالثة، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۷. مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، تصحیح و تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۷۲م.

۲۸. معروف حسنی، هاشم؛ الموضوعات فی الاخبار و الآثار، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.5.4]